

پینگ

کاملاً شناخته شده، کاملاً سفید، یک یارد ایستاده، پاها متصل، انگار دوخته شده. گرمای ملایم، کف سفید آتاق، یک یارد مربع، هرگز دیده نشده. دیوارهای سفید، یک در دو یارد، سقف سفید، یک یارد مربع، هرگز دیده نشده. بدن لخت سفید ایستاده، فقط چشم‌ها، فقط همین. ردهای محو، خاکستری کم‌رنگ نزدیک به سفید. دست‌ها آویزان، کف دست‌ها جلو، پاها سفید، پاشنه‌ها کنار هم، گوشه‌ها راست. گرمای ملایم، صفحه‌های سفید، سفید درخشان، بدن لخت سفید ایستاده، پینگ ایستاده جای دیگر. ردهای محو، نشانه‌های بی‌معنا، خاکستری کم‌رنگ نزدیک به سفید. بدن لخت سفید ایستاده، سفید، نامری، فقط چشم‌ها، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، فقط همین. چشم‌های مغرور سر، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، درون سکوت. زمزمه‌های کوتاه، تقریباً هرگز، کامل شناخته شده. ردهای محو، نشانه‌ها بی‌معنا، خاکستری کم‌رنگ نزدیک به سفید. پاها متصل، انگار دوخته شده، پاشنه‌ها کنار هم، گوشه‌ها راست. ردهای تنها، نه کاملاً متمایل به سیاه، خاکستری کم‌رنگ نزدیک به سفید. سفید. گرمای ملایم، دیوارهای سفید، سفید درخشان، یک در دو یارد. بدن لخت سفید، یک یارد ایستاده، پینگ ایستاده جای دیگر. ردهای محو، نشانه‌ها بی‌معنا، خاکستری کم‌رنگ نزدیک به سفید. پاها سفید، انگشتان پا متصل، انگار دوخته شده، پاشنه‌ها کنار هم، گوشه‌ها راست، نامری. چشم‌ها، تنها، نه کاملاً متمایل به سیاه، زمزمه، فقط همین، تقریباً هرگز، شاید تنها یک لحظه هم نه. متمایل به قرمز، فقط همین، بدن لخت سفید، یک یارد ایستاده، سفید، نامری. کاملاً سفید، کاملاً شناخته شده، زمزمه‌ها، فقط همین، تقریباً هرگز. همیشه کاملاً همان قدر شناخته شده. گرمای ملایم، دست‌ها آویزان، کف دست‌ها جلو، سفید نامری. بدن لخت سفید ایستاده، پینگ، فقط همین. تقریباً هرگز. شاید یک لحظه غیر عادی، چشم‌های مغرور سر جلو ایستاده، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، زمزمه پینگ، سکوت پینگ. سوراخ چشم‌ها، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، دهان، درزی سفید، هر کدام ردی خاکستری، نشانه‌های محو، بی‌معنا، خاکستری کم‌رنگ نزدیک به سفید. گرمای ملایم، کاملاً شناخته شده، کاملاً سفید، صفحه‌ها، متلاقی، نامری. زمزمه پینگ، فقط همین، شاید یک لحظه تقریباً هرگز معنایی به یاد نیاید، تقریباً



هرگز، پاها سفید، انگشتان پا متصل، انگار دوخته شده، پاشنه‌ها کنار هم، گوشه‌ها راست، پینگ، بی‌صدا جای دیگر. دست‌های آویزان، کف دست‌ها جلو، پاها متصل، انگار دوخته شده، سر مغرور، سوراخ چشم‌ها جلو ایستاده، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، درون سکوت. پینگ جایی دیگر، همیشه آنجا، ولی نه آنقدر شناخته شده. سوراخ چشم‌ها، آبی کم‌رنگ، نه کاملاً متمایل به آبی، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، تنها رنگی که جلو ایستاده. کاملاً سفید، کاملاً شناخته شده، صفحه‌های سفید، سفید درخشان، زمزمه پینگ، فقط همین، تقریباً هرگز یک لحظه آبی به یاد نیاید، تقریباً هرگز. بدن لخت سفید، یک یارد ایستاده، پینگ ایستاده جای دیگر، سفید، نامری، قلبه تنفس، بی‌صدا. فقط چشم‌ها متمایل به آبی، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، ایستاده جلو، تنها رنگ، نه کاملاً تنها، صفحه‌ها، متلاقی، نامری، فقط سفید درخشان، بیکران، ولی ناشناخته. بینی، گوش‌ها، سوراخ‌های سفید، دهان، درزی سفید، انگار دوخته شده، نامری، زمزمه پینگ، فقط همین، تقریباً هرگز، همیشه یک لحظه هم آنقدر شناخته شده، متمایل به قرمز، فقط همین، بدن لخت سفید، یک یارد ایستاده، نامری، کاملاً شناخته شده، خارج از محدوده، پینگ شاید یک لحظه، ماهیتی با تصویر هم زمان، آبی کم‌رنگ تر و سفید در باد، سفید، سفید درخشان، یک یارد مربع، هرگز دید نشده، پینگ شاید یک لحظه غیر عادی، سکوت پینگ. ردهای تنها، نه کاملاً متمایل به خاکستری پررنگ، نشانه‌های محو، بی‌معنا، خاکستری کم‌رنگ نزدیک به سفید، همیشه همان. پینگ شاید یک لحظه، نه فقط با تصویر، همیشه همان، هم زمان کمی کم‌تر از آن که به یاد بیاید، تقریباً هرگز، سکوت پینگ. متمایل به قرمز، فقط همین، ناخن‌ها افتاده، سفید، موهایی بلند، سفید، نامری، آن طرف افتاده، شکاف‌های سفید، نامری، سفید یکنواخت، مانند گوشت، پاره‌شده کهنگی، متمایل به قرمز، فقط همین. تصویر پینگ، فقط همین، یک لحظه آبی و سفید در باد، سر مغرور، بینی، گوش‌ها، سوراخ‌های سفید، دهان، شکاف‌های سفید، انگار دوخته شده، آن طرف فقط چشم‌ها جلو ایستاده، متمایل به آبی، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، تنها رنگ، کاملاً تنها، گرمای ملایم، صفحه‌های سفید، سفید درخشان، فقط سفید درخشان، بیکران ولی ناشناخته. پینگ، فقط همین، تقریباً هرگز، یک لحظه ماهیتی با تصویر هم زمان، آبی کم‌رنگ تر و سفید در باد، ردهای محو، خاکستری کم‌رنگ، سوراخ چشم‌ها جلو ایستاده، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، پینگ یک معنا، فقط همین، تقریباً هرگز، سکوت پینگ، انگار دوخته شده، پاشنه‌ها کنار هم، گوشه‌ها راست، دست‌ها آویزان، کف دست‌ها جلو، سر مغرور، سوراخ چشم‌ها جلو ایستاده، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، درون سکوت. پینگ جایی دیگر، همیشه آنجا، ولی ناشناخته. پینگ شاید یک لحظه نه فقط با تصویر هم زمان، چشمی کمی روشن‌تر، سیاه و سفید، نیمه بسته، به هم بستن ملتسمانه طولانی، که به یاد نیاید، تقریباً هرگز. دور از درخشش زمان، کاملاً سفید، سفیدتر کاملاً از کهنگی، درخشش پینگ، دیوارهای سفید، سفید درخشان، بی‌ردی، سوراخ چشم‌ها، آبی کم‌رنگ نزدیک به سفید، آخرین رنگ پینگ، آن طرف سفید. پینگ آخرین جای دیگر ایستاده، پاها متصل، انگار دوخته شده، پاشنه‌ها کنار هم، گوشه‌ها راست، دست‌ها آویزان، کف دست‌ها جلو، سر مغرور، سفیدی چشم‌ها، نامری، جلوی آن طرف ایستاده. متمایل به قرمز، فقط همین. یک یارد، نامری، سفید لخت، کاملاً شناخته شده، خارج از محدوده، سقف سفید، هرگز دیده نشده، پینگ کهنه، فقط همین، شاید یک لحظه، معنایی، ماهیتی، آبی و سفید در باد، به یاد نیاید، از این به بعد هرگز. صفحه‌های سفید، بی‌ردی، سفید درخشان، فقط سفید درخشان، بیکران. ولی ناشناخته. گرمای ملایم، کاملاً شناخته شده، کاملاً سفید، قلبه نفس، بی‌صدا، سر مغرور، سفیدی چشم‌ها، ایستاده جلو، پینگ کهنه، آخرین زمزمه، یک لحظه، شاید نه، تنها بی‌فروغی چشم، سیاه و سفید، نیمه بسته، به هم بستن ملتسمانه طولانی، سکوت پینگ، پایان پینگ.